تهاجم فرهنگي ، روش ها و راه كارها‏

سيدعليرضا خاضع، شماره اشتراك 3629، از دهدشت‏

اين مقاله با استفاده از كتاب «فرهنگ و مقاومت فرهنگى»، نوشته مهدى نويد، تهيه و تنظيم شده است.

تهاجم فرهنگى‏

براى بررسى مقوله تهاجم فرهنگى، لازم است ابتدا با مفاهيم فرهنگ، تبادل فرهنگى، سلطه فرهنگى و تهاجم فرهنگى آشنا شويم.

- فرهنگ: واژه‏اى فارسى و مركب از دو جزء «فر» و «هنگ» است. «فر» به معناى شكوه و عظمت و «هنگ» از ريشه اوستايى «سنگ» به معناى كشيدن، سنگينى و وقار است.

بعضى از لغت شناسان، «فرهنگ» را به معناى ادب، تربيت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و آثار علمى و ادبى يك ملت دانسته‏اند.

عده‏اى از جامعه شناسان معتقدند: «فرهنگ، تفكر جمعى جامعه است كه در پديده‏ها و رفتارهاى اجتماعى تجلى مى‏يابد و تمامى امور اقتصادى، اجتماعى، سياسى، مادى و معنوى را متأثّر مى‏سازد.»

- تبادل فرهنگى (برخورد فرهنگى): به ارتباط آزادانه و طبيعى دو قوم با يك ديگر مى‏گويند كه در آن، عناصرى از فرهنگ يك قوم بدون هيچ اجبار و الزامى، به قوم ديگر منتقل گردد.

- سلطه فرهنگى: عبارت است از مبادله يك جانبه عناصر و پديده‏هاى فرهنگى. گروه سلطه گر سعى مى‏كند با تكيه بر اهرم قدرت اقتصادى، نظامى، سياسى و تبليغى خويش، باورها، ارزش‏ها، و رفتارهاى خود را بر قوم ديگر حاكم نمايد و هويت فرهنگى گروه مقابل را تضعيف، تخريب و نابود سازد.

- مفهوم واقعى تهاجم فرهنگى: تهاجم فرهنگى، عبارت است از تلاش برنامه ريزى شده و سازمان يافته يك گروه يا يك جامعه براى تحميل باورها، ارزش‏ها، اعتقادات، اخلاقيات و در رفتارهاى مورد نظر خويش بر ساير گروه‏ها و جوامع.

مهاجم فرهنگى، همواره در صدد سلطه فرهنگى است و سعى مى‏كند با استفاده از قدرت و تكنيك برتر اقتصادى، سياسى، اجتماعى و نظامى، به مبانى و افكار و اعمال يك ملت هجوم آورد و با نفى و طرد آنها، زمينه حاكميت انديشه، تفكر، ارزش‏ها و رفتارهاى مطلوب خود را فراهم آورد. اقوام سلطه‏پذير در برابر تهاجم فرهنگى، هويت و قوميت و اصالت‏هاى فرهنگى خود را زير پا مى‏نهند و به ظواهر فرهنگ بيگانه دل‏خوش مى‏دارند و دوام خود را در پرتو فرهنگ تهاجم جست و جو مى‏كنند. آنان هيچ گونه باورى به مبانى و ارزش‏هاى فرهنگ خودى ندارند و سربلندى خويش را در پذيرش فرهنگ بيگانه مى‏دانند. بنابر اين، تهاجم فرهنگى يعنى نفى هويت فرهنگى، تعبير باورها و رفتارها و دگرگون سازى آداب و روش‏هاى زندگى فردى و اجتماعى منطبق با الگوهاى بيگانه.

پيشينه تبادل و تهاجم فرهنگى‏

برخورد فرهنگى از آغاز زندگى بشر وجود داشته است. انسان‏ها با تبادل فرهنگ‏ها، موجبات رشد و تعالى خود را فراهم مى‏ساختند به طورى كه تمدن امروزى، مرهون تلاش‏ها و كوشش‏هاى اقوام و ملل در طول تاريخ حيات بشرى است.

در كشورهاى اسلامى، پس از حاكميت دين اسلام، برخورد فرهنگى مسلمانان با ساير ملل آغاز شد و انديشه و تفكر اسلامى توسط مبلّغين، تجّار و مهاجران در بين ساير جوامع، گسترش و رواج يافت. اين ارتباط فرهنگى، در دوران جنگ‏هاى صليبى به اوج خود رسيد. در اين زمان كه اروپاييان دوران قرون وسطايى را سپرى مى‏كردند، مسلمانان قلل بلند علم و دانش را طى مى‏نمودند.

اما هم زمان با تبادل فرهنگى، بعضى از مسيحيان و يهوديان، از هر وسيله و ترفندى براى تضعيف و نابودى اسلام و تحكيم سلطه خود بهره مى‏جستند.

البته اين تهاجم، در هر عصرى، روش ويژه‏اى داشته است و هم اكنون كشورهاى سلطه گر با استفاده از توان اقتصادى و تكنولوژى پيش‏رفته و امكانات خود، از طريق تحميل فرهنگ، به بسط و گسترش امپرياليسم فرهنگى پرداخته و در صدد تأمين و تضمين منابع اقتصادى خود مى‏باشند.

رابطه تهاجم فرهنگى با تبادل فرهنگى‏

در تبادل فرهنگى، فرهنگ پذيرى با ميل و به دل‏خواه انجام مى‏گيرد و هيچ گونه نابرابرى اجتماعى، سياسى و اقتصادى بين دو گروه وجود ندارد و در صورت وجود برترى يكى از اين مورد در گروهى، زمينه تحقير فرهنگى گروه مقابل مهيا نمى‏گردد، ليكن در تهاجم فرهنگى، فرهنگ پذيرى به صورت جبرى است و نابرابرى‏هاى اجتماعى، سياسى و اقتصادى بين گروه‏ها كاملاً مشهود است.

آن‏چه در تهاجم مهم است، حمله ناگهانى به باورها، ارزش‏ها، نفى هويت فرهنگى و ملى و پذيرش سلطه فكرى بيگانه است و تغيير و دگرگونى فرهنگ و آداب و رسوم و رفتارها، بر اساس ارزش مهاجمان سنجيده مى‏شود.

قلمرو تهاجم فرهنگى‏

قلمرو و حيطه نفوذ تهاجم فرهنگى، تمامى ارزش‏ها، نظام‏ها، فرهنگ‏ها و نمودهاى يك جامعه را شامل مى‏شود. در تهاجم فرهنگى، هم به ريشه‏ها و سرچشمه‏ها حمله مى‏شود و هم به ساقه و برگ و ميوه‏ها دست برد زده مى‏شود. گرچه غارت ميوه‏ها مشهودتر است، ليكن خشكاندن ريشه‏ها خطرناك‏تر است، چرا كه در هجوم فرهنگى، تحول و دگرگونى باورها، ايده‏ها و گرايش‏ها، اصلى‏ترين و اساسى‏ترين هدف مهاجمان است.

ابزارهاى تهاجم فرهنگى‏

ابزارهاى فرهنگى، مجموعه امكانات و وسايلى هستند كه در رساندن پيام، مورد استفاده قرار مى‏گيرند. مهاجمان فرهنگى نيز از اين روش‏ها و ابزارها براى گسترش فرهنگ خود بهره مى‏گيرند كه به چند مورد اشاره مى‏كنيم:

1 . هنر و ابزارهاى هنرى: هنر، تجلى احساسات، عواطف و زيبايى هاست و ابزارهاى هنرى، از مهم‏ترين و مؤثرترين وسايل در انتقال پيام به مخاطب مى‏باشند. از طرفى، نسل جوان و نوجوان هم شيفته وسايل هنرى هستند؛ از اين رو مهاجمان تلاش مى‏كنند در قالب هنر، پيام‏هاى زهراگين و مخرّب خود را به شكلى جذاب به نسل جوان ارائه بدهند.

2 . ادبيات و ابزارهاى ادبى: ادبيات هر ملتى حاوى افكار، باورها، آرزوها و تاريخ آن ملت و به طور كلى، نمودى از زيبايى خواهى انسان‏هاست كه از نسلى به نسل ديگر منتقل مى‏شود. سلطه‏گران فرهنگى با استفاده از قالب‏هاى: شعر، قصه، داستان و رُمان - البته به شكل مبتذل آن - مى‏كوشند پيام‏هاى خويش را به جوامع بشرى منتقل كنند.

3 . ورزش و ميادين ورزشى: ورزش از جمله علاقه‏ها و نيازهاى اساسى انسان براى سلامت جسمى اوست كه مى‏تواند در ايجاد شادى و فرح، برقرارى روابط مناسب اجتماعى و غنى سازى اوقات فراغت مؤثر باشد، ليكن مهاجمان فرهنگى از اين پديده اجتماعىِ خوش‏آيند به عنوان يك وسيله مؤثر براى انتقال افكار و ارزش‏هاى مورد پسند خود بهره مى‏گيرند.

4 . روشن‏فكران و غرب گرايان خود باخته: مهاجمان با گزينش نمايندگانى از خود ملت‏ها و فراهم كردن امكانات، آنان را به «عمله استعمار» و «بلندى گوى فرهنگ بيگانه» تبديل مى‏نمايند.

5 . زنان و دختران و محرّك‏هاى عاطفى: فرهنگ تهاجم، براى توسعه و پيش‏برد اهداف خود، از زنان و دختران به عنوان ابزارى براى انتقال فرهنگ مبتذل خود به ساير جوامع استفاده مى‏نمايند. على رغم تبليغات گسترده و عوام فريبانه‏اى كه غربيان بر ارزش نهادن به مقام زن در سطح جهان انجام مى‏دهند، ولى براى رسيدن به اهداف شوم خود از هر وسيله نامشروعى استفاده مى‏كنند و به هيچ چيزى پاى بند نيستند.

6 . فنون و تكنولوژى برتر: استعمارگران به كمك فنون و تكنولوژى برتر به استيصال ديگر كشورها مى‏پردازند و در پرتو آن، آموزه‏ها، ارزش‏ها و باورهاى سياسى، اقتصادى، فرهنگى و اجتماعى خويش را بر ديگران تحميل مى‏كنند.

7 . سازمان‏ها و نهادهاى بين المللى و منطقه‏اى: مهاجمان فرهنگى، بسيارى از نهادهاى عام المنفعه و بين المللى خدمت‏رسانى را وسيله‏اى براى تبليغ و ترويج فرهنگ خود و حاكميت بخشيدن به امپرياليسم فرهنگى، قرار داده‏اند.

8 . گسترش مواد مخّدر: دشمنان فرهنگ ملت‏ها براى از بين بردن سلامت جهانى و روانى افراد جامعه، جلوگيرى از به وجود آمدن نسلى سالم و آينده ساز و براى از پاى در آوردن و به سستى كشاندن آنان، به گسترش مواد مخدّر، مسكرات و مواد تهييج كننده قواى جنسى در ساير كشورها دامن مى‏زنند.

روش‏هاى تهاجم فرهنگى‏

مهاجمان به صورت مستقيم و غير مستقيم، براى تحقق هدف‏هاى خويش، مجموعه راه كارها و سبك هايى را به كار مى‏گيرند و با استفاده از آنها، هم باورها و اعتقادات را زير سؤال مى‏برند، هم رفتارها و اخلاقيات و كنش‏ها را دچار آسيب مى‏سازند و هم به ظواهر مادى و معنوى فرهنگ خدشه وارد مى‏كنند. مهم‏ترين شيوه‏هاى فرهنگى به شرح ذيل است:

الف ) تضعيف عقايد و باورها: مهاجم فرهنگى، با القاى شبهه‏هاى عقيدتى، بزرگ نمايى مشكلات فكرى، غافل نمودن افراد جامعه از مبانى منطقى و رواج سطح نگرى و تحجّر گرايى در صدد است تا به ساحت مقدس اسلام خدشه وارد ساخته، آن را در پاسخ گويى به نسل جوان ناتوان جلوه دهد.

ب ) دگرگونى گرايشات معنوى: تهاجم فرهنگى، با ترويج عقايد بى‏پايه و گسترش برنامه‏هاى سرگرم كننده و وقت گير، ميل به معنويت و گرايش به مذهب را كم رنگ و از مسير اصلى خود خارج مى‏نمايد.

ج ) تخريب هويت ملى: همان طور كه وحدت ملى، سبب پايدارى و ايجاد هويت واحد مى‏شود، ايجاد تفرقه و بى هويتى، عامل گسستگى پيوندهاى اجتماعى است؛ از اين رو مهاجمان همواره در صدد ايجاد اين تفرقه و بى هويتى هستند.

د ) بى ثباتى تاريخى: مهاجمان فرهنگى با تحريف و تخريب گذشته افراد، سعى در بى ريشه كردن جوامع دارند.

ه ) طرد الگوهاى خودى: از ديگر روش‏ها اين است كه الگوها و نمونه‏هاى خودى و بومى ملت‏ها را پست و الگوهاى خود را خوب جلوه دهند.

و ) ترور و تخريب شخصيت‏ها: قهرمانان هر ملتى، از جمله افتخارات و عوامل پويايى آن ملت محسوب مى‏شوند، از اين مهاجمان سعى مى‏كنند با نشر شايعات و ترويج اكاذيب، به ترور و تخريب شخصيت افراد مؤثر بپردازند.

ز ) توسعه روحيه غرب گرايى و غرب زدگى: دشمنان سعى مى‏كنند تا با تبليغ فرهنگ غرب، از ايجاد ذهنيت مثبت نسبت به خود بهره بردارى نمايند و خود باختگى فرهنگى را در كشورها پرورش دهند.

ح ) گسترش فساد و منكرات: يكى از عوامل مؤثر در تخريب و آسيب پذيرى جوامع، به ويژه نسل جوان، توسعه و ترويج فساد و بى بند و بارى و گسترش فحشا و منكرات است.

ط ) رواج عقايد انحرافى و باطل: مهاجمان با استفاده از شيوه مذهب عليه مذهب در برابر اعتقادات اصيل اسلامى جبهه‏گيرى مى‏كنند تا آموزه‏هاى دينى را كه عامل بيدارى و پويايى است، به عاملى تخديرى، كهنه، منزوى و واپس گرا تبديل نمايند.

راه‏هاى مقابله با تهاجم فرهنگى‏

دانشمندان، محققان و نويسندگان متعهد براى مقابله و مبارزه با اين پديده فرهنگ سوز، راه هايى را پيشنهاد مى‏نمايند كه مهم‏ترين آنها به طور فشرده عبارت اند از:

1 . تعميق شناخت و باورهاى دينى؛ 2 . پناه بردن به قرآن؛ 3 . تمسك به ولايت؛ 4 . فراهم كردن زمينه‏هاى ازدواج جوانان؛ 5 . ترويج نماز و فرهنگ نمازخوانى؛ 6 . تهيه برنامه فرهنگى سالم بر اساس اصولى معيّن؛ 7 . ترويج امر به معروف و نهى از منكر؛ 8 . ايجاد اشتغال؛ 9 . پرورش افراد؛ 10 . تربيت سياسى و اجتماعى افراد جامعه؛ 11 . برگزارى ادعيه حيات بخش و ايراد سخنرانى‏هاى علمى و منطقى.

ويژگى‏هاى فرهنگ مهاجم‏

در بررسى ويژگى‏هاى فرهنگ مهاجم، آن دسته از خصوصيات فرهنگ بيگانه مورد نظر است كه در تعارض ريشه‏اى با فرهنگ اسلامىِ حاكم بر جامعه مى‏باشد. مهم‏ترين اين ويژگى‏ها عبارت اند از:

1. انسان محورى در برابر خدا محورى: در اين فرهنگ، انسان جاى‏گزين خدا گشته و «اومانيسم» انسان گرايى، محور باورها گرديده است.

2. علم، جانشين مذهب: در اين فرهنگ، نياز انسان به مذهب و تعاليم آسمانى ناديده انگاشته شده و به صورت فردى به آن نگاه مى‏شود. در مقابل، علم و دانش و يافته‏هاى ذهنى انسان، جانشين تعاليم انبيا گرديده، دين و مذهب، افيون ملت‏ها لقب گرفته و عامل عقب ماندگى و تخدير انسان‏ها قلمداد مى‏شود.

3. اصالت دنيا در مقابل آخرت: در اديان الهى، دنيا كشت زار آخرت و ايمان به آخرت همراه با باور دنيا و پذيرش محسوسات، تبليغ و ترويج شده است، ليكن در فرهنگ تهاجم، فقط محسوسات مادى پذيرفته شده، دنيا آخرين منزل هستى بشر قلمداد گرديده است.

4. لذت جويى مادى در برابر آرامش خواهى معنوى: فرهنگ مهاجم، سعادت و خوش بختى انسان را در استفاده بهينه از طبيعت و مواهب مادى و لذات شهوانى خلاصه مى‏نمايد، چرا كه دنيا و عقل اقتصادى و تفكر تكنيكى، از انديشه‏ها و اهداف اوست. ترويج فرهنگ مصرف گرايى و تجمل پرستى و گرايش به لا قيدى و بى بند بارى، از نمودهاى بارز اين فرهنگ مبتذل است.

5 . آزادى جاى‏گزين آزادگى: رهايى از هر قيد و بند و آزادى مطلق، از ديگر ويژگى‏هاى تهاجم فرهنگى دشمن است. انسان‏هاى متأثر از فرهنگ تهاجم، دوست دارند از آزادى جنسى كام گيرند و از آزادى اقتصادى و اجتماى بهره‏مند شوند و حقوق جمعى را ناديده انگارند. در فرهنگ تهاجم، هر كس به فكر خويش است و در حيطه انجام كارهاى خلاف اخلاق و معيارهاى انسانى، آزاد است و هيچ كس نمى‏تواند جلوى او را سد كند، اما انسان تربيت شده در مكتب وحى، با درك و فهم عبوديت و بندگى الهى، آزادى خويش را مقيد و مشروط دانسته و در راستاى كسب آزادگى، از امكانات لازم، استفاده و بهره‏بردارى مى‏نمايد.

وظايف جوانان و خانواده در برابر هجوم فرهنگى‏

در مرحله اول، خود جوانان بايد اهميت موضوع را درك كرده و ضمن تقويت حس دشمن‏شناسى، ترفندها و حيله‏هاى دشمنان را بشناسند و براى مقابله با آن چاره انديشى كنند و در مرحله بعد، خانواده‏ها نيز بايد در برابر اين بحران خانمان برانداز ساكت ننشينند و ضمن درك شرايط موجود، با افزودن آگاهى‏هاى خود، اين مسائل را مد نظر قرار دهند:

1 . نظارت بر رفتار فرزندان خود و كنترل آمد و شد آنان با ديگران؛

2 . نظارت بر شيوه استفاده فرزندان از شبكه‏هاى اينترنتى و دستگاه‏هاى خبرى؛

3 . تشويق فرزندان به پيوند با اماكن مذهبى و مشاركت در جلسات معنوى و مذهبى؛

4 . ترغيب فرزندان به موضوع ارتباط بيشتر با خدا و برپايى نماز و شركت در ادعيه حيات بخش؛

5 . پر كردن اوقات فراغت فرزندان با برنامه‏هاى مفيد و كيفى؛

6 . افزودن شناخت و آگاهى‏هاى عميق در مورد دشمن‏شناسى و نقشه‏هاى دشمن؛

7 . وادار كردن اعضاى خانواده به مطالعه و پژوهش پيرامون آسيب‏شناسى نقشه‏هاى دشمن؛

8 . مصون سازى اعضاى خانواده با ايجاد تعهد در آنان و تقويت حس تنفر از دشمنان؛

9 . تحكيم پيوند اوليا و مربيان با مدارس و مراكز آموزشى و كسب آگاهى از وضعيت تحصيلى آنان؛

10 . فرهنگ سازى و ارتقاى فرهنگ اعضاى خانواده در برابر نقشه‏ها و تهاجمات مدعيان؛

11 . ترويج و گسترش فرهنگ قرآنى در خانواده و توسعه روح توسل در برابر نقشه‏ها و تهاجمات مدعيان؛

12 . فراهم كردن زمينه‏هاى ارتباط قوى با قرآن، نهج البلاغه، صحيفه سجاديه و ساير كتاب‏هاى مذهبى و كلمات نورانى معصومين (ع)؛

13 . رفع نيازهاى مادى و معنوى اعضاى خانواده در حد توان و اهميت دادن به نظرات و پيشنهادات آنان؛

14 . تكريم و احترام افراد خانواده؛

15 . گسترش فرهنگ امر به معروف و نهى از منكر در ميان اعضاى خانواده و شناخت مراحل و مراتب آن؛

16 . ايجاد رابطه با نهادها و سازمان‏هاى مؤثر براى جذب فرزندان و پرورش خلاقيت‏هاى درونى آنان؛

17 . ترغيب افراد خانواده به روى آوردن به ورزش سالم و ايجاد زمينه لازم براى سلامتى روحى و جسمى آنان؛

وظايف جامعه در برابر تهاجم فرهنگى‏

هر جامعه‏اى كه مورد هجوم قرار مى‏گيرد بايد براى حفظ ارزش‏ها و آرمان‏هاى خويش، در برابر حمله مهاجمان ايستادگى نموده و به روش‏هاى ذيل مقابله نمايد:

1 . اصلاح و تجديد نظر در ساختار فرهنگى و نظام آموزشى جامعه؛

2 . توجه به ارزش‏هاى دينى، به خصوص دين مقدس اسلام؛

3 . حمايت از عناصر مؤمن و كارآمد خودى؛

4 . نظارت قانون‏مند بر محصولات فرهنگى؛

5 . تكيه بر فرهنگ و آداب و رسوم بومى جامعه؛

6 . افزايش آگاهى افراد جامعه و آشنا ساختن آنان با مفاخر فرهنگى؛

7 . فراهم كردن زمينه‏هاى رشد خلاقيت‏هاى قشر جوان و نوجوان جامعه؛

8 . استفاده از اوقات فراغت جوانان با برنامه‏ريزى مناسب؛

9 . ايجاد مراكز فرهنگى، ورزشى و هنرى؛

10 . استفاده از تكنولوژى‏هاى پيش‏رفته براى آگاهى افراد جامعه.